

در صفحه ۱۲ بخوانید...

همه ما، منتظر از روابط انسانی هستیم | جنبش خدایان
در یازدهم دی و ولادتگی | ابروی من از کتاب بزنده به گور صادق هدایت
حضور دانشگاه آزاد در حریم تخریب جمشید
...



درآمدت کسین چه به تصادف؟

بگذارید واقع بین باشیم

مهم ترین مسیر زندگی شان می شود. اکنون بهترین بهترین هرا یا جاهایی که به بهشت های دیگر می رسند مسیر بارماندگان کشتار را می گویم.



در صفحه ۱۱ بخوانید...

دیگران

ترجمه مقاله ای از روزنامه لوموند
تغییرات آب و هوا
واقعیتی انکار شده

پرتره

آل احمد و پرستی
که هنوز باقی است

از درون

بخت های دربارم و واج کم حرفی
در خانواده های ایرانی
چقدر یا هم حرف
می زیم؟



چرا در مجازات های جایگزین به چالپی فرسیده ایم
زندان زهایی در ایران
مرگ تدریجی یک رویا

همراه با مطالبی از
امیر حسین جلالی
میرهادی قره سید
امان الله قرائی مقدم
شهلا کاظمی پور
و گزارشی آماری از تعداد زندانیان در کشور

جای مجازات های جایگزین خالی است



امیر حسین جلالی
روایتگر است

یک قاعده کلی وجود دارد و آن این است که در جامعه به هر اندازه، تعریف جرم وسیع تر باشد، اتفاقی که در جامعه می افتد این است که امنیت اقدامات مجرمانه هم بیشتر می شود. واقعیتی وجود دارد که در ایران، رفتارهای بسیار زیادی از جرم قلمداد می کنیم و افراد زیادی که از اعمال را مرتکب می شوند، در دایره مجرمان قرار می دهیم. به عنوان نمونه، آماری که بعضا نهادهای ناخواسته رسمی ارائه می کنند، مبنی بر این است که خانواده های زیادی در ایران از آنتن ماهواره استفاده می کنند و این سخن چیزی نیست که بنیان باشد. بارها در روزنامه ها و رسانه های رسمی کشور این موضوع را دیده و شنیده ایم. حالا وقتی این اقدام، یعنی استفاده از آنتن ماهواره در قانون به عنوان جرم تعریف شده است، به این معناست که افراد زیادی در جامعه ما مجرم هستند. حالا شما می توانید این را گسترش و به سایر حوزه ها تعمیم دهید. مثال دیگر در حوزه موسیقی است که نوع خاصی از موسیقی در کشور از دهه ۶۰ به عنوان موسیقی غیر مجاز شناخته شده است. اما واقعیت اجتماعی این است که نمی توان نایده گرفت. افراد بسیار زیادی در همین جامعه هستند که موسیقی غیر مجاز گوش می دهند و وقتی می گویم «غیر مجاز» یعنی قانونی نیست، مجبور ندارم و به عبارت دیگر وقتی فردی به این موسیقی گوش می کند در حال انجام فعل مجرمانه است. مورد دیگری که می توان مثال زد فیس بوک است. من از فردی شنیده ام که ۱۷ میلیون کاپیر برسانی در فیس بوک حضور دارد. فردی بوک از فیلتر است و افراد باید دارند. فیس بوک یک فیلتر شکن است و افراد باید کنند. استفاده از فیلتر شکن نیز جرم است. با این تقسیم، صرفا در این حوزه، ما ۱۷ میلیون مجرم داریم.

افراد خطایی انجام دهند، به جای زندانی کردن، آنها را مجبور به انجام دادن خدمت اجتماعی می کنند. «تو به جامعه آسیب رساندی، پس باید به جامعه خدمت کنی». این است که هیچ کس نمی تواند ادعا کند که این زندانی شدن، می تواند کمکی به کسی بکند. نه مهربانی به کسی پرداخت می شود، نه سلامت روانی به کسی داده می شود و نه هیچ چیز دیگر. از نگاه من، مسأله مهم این است که جای مجازات های جایگزین در قانون ما بسیار خالی است. هر چند بسیاری از قضاات معتقدند که همین قانون های موجود امکان استفاده از مجازات های جایگزین را می دهند. اما به نظر می رسد باید زمینه اجتماعی و امکانات لازم برای آن فراهم شود. به طور مثال از دیدگاه رشته حقوق، یک مجازات جایگزین برای فردی است که یک اقدام خشونت بار انجام داده این است که باید خودش را درمان کند و اگر قرار باشد فردی را مکلف به درمان خود کنیم، باید مراکز درمانی وجود داشته باشد. باید مراکز خیر و وجود داشته باشد. در بسیاری از قسمتهای دنیا، اگر

اجتماعی و خصوصی را تهدید می کنند، ممکن است عده ای بگویند به طور مثال، ممکن است فیس بوک موجب خورن امنیت اجتماعی شود. من این جا کاری به این ندارم که سخن چه کسی درست است اما می خواهم بگویم وقتی از این دیده، حدود ۲۰ میلیون نفر استفاده می کنند، اگر واقعا این جامعه اوضاع ناآرام، بحرانی و روزه انحطاطی دارد که ۲۰ میلیون مجرم در آن زندگی می کنند و سا رفتار خود، فکری اساسی کردو نیاید. در چنین جامعه به دنبال زندانی زدن رفت، بلکه باید زندان ساخت! نکته دیگر کاربرد زندان است. هیچ کس در هیچ جای دنیا منکر این نیست که بعضی از افراد را باید زندانی کرد حتی اگر از دید روانپزشکی هم به این مسأله نگاه کنید، ما در بعضی شرایط نیازمندیم که از ایزل کنترلی خارجی در مورد کسانی که توانمندی کنترل درونی ندارند، استفاده کنیم. مثل فرد افرادی که مرتکب قتل یا جانیات می شوند.

باید پرسید که در مورد هر جرمی، آیا زندان

یادداشت

حبس زدایی باید اولویت همه قوا باشد



امیرهادی قره سید
عضو کمیسیون حقوقی
وقضایی مجلس

با توجه به سیاست های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای فوق قضائیه و در خصوص اعمال مجازات های جایگزین و کاهش مجازات حبس، اقداماتی انجام شده و مکتب حقوق اسلامی، ایرانی به این سمت پیش می رود که در آینده با توجه به نوع زندان ها و ترکم و وابستگی زندانیان بنوعی ضمن طبیعتی جدیدی در مجازات های جایگزین برای بخش زیادی از محکومان جلوگیری کنیم. طی سال های گذشته در حوزه برخورد با

نمونه در برخی از کشورها به جایی این که مجرم را در زندان نگهداری کنند یا استفاده از مستندها و مدارهای الکترونیکی، رفتار فرد را در جامعه کنترل کرده و وی را در اجرای این عمومی مشارکت می دهند. برای اجرای این شیوهها نیازمند فراهم سازی شرایط و امکانات مناسب هستیم. از جمله آن که نیاز به اصلاح قوانین و همچنین تأمین بودجه مالی داریم. طرح هایی که متناسب به حبس زندانی در قوانین کفایت می شود، در کنار مزایا و محاسنی که دارد، نمایان می شود. برای اجرای این شیوهها که پیش می آید این است که با اعمال این گونه مجازات ها به جایی مجازات حبس، اهداف کلانی که برای تأمین بودجه است، مبرمی کند. مثال این که دیگر کسی پراحتی جز از ارتکاب این جرم از زندان باشد. آیا اگر افراد به خاطر جرمی که مرتکب شده اند، زندانی شوند، در جامعه از منفی نمی گذارند؟ برای رفع این نگرانی ها باید در زمان تعیین مقاصد و تصویب قوانین این نکته را مدنظر قرار دهیم که مجازات باشد. متناسب با جرایم باشد. خلاصه این امر مورد ما در قوانین قانونی نیز بوده و هستیم این تلاشها به رقم

نیاز به اصلاح قوانین و همچنین تأمین بودجه است. داریم تا طرح فوق به نتیجه برسد. اما اجرای این طرح ها کمترین به حبس زندانی در قوانین کفایت می شود، در کنار مزایا و محاسنی که دارد، نمایان می شود. برای اجرای این شیوهها که پیش می آید این است که با اعمال این گونه مجازات ها به جایی مجازات حبس، اهداف کلانی که برای تأمین بودجه است، مبرمی کند. مثال این که دیگر کسی پراحتی جز از ارتکاب این جرم از زندان باشد. آیا اگر افراد به خاطر جرمی که مرتکب شده اند، زندانی شوند، در جامعه از منفی نمی گذارند؟ برای رفع این نگرانی ها باید در زمان تعیین مقاصد و تصویب قوانین این نکته را مدنظر قرار دهیم که مجازات باشد. متناسب با جرایم باشد. خلاصه این امر مورد ما در قوانین قانونی نیز بوده و هستیم این تلاشها به رقم

افراد خطایی انجام دهند، به جای زندانی کردن، آنها را مجبور به انجام دادن خدمت اجتماعی می کنند. «تو به جامعه آسیب رساندی، پس باید به جامعه خدمت کنی». این است که هیچ کس نمی تواند ادعا کند که این زندانی شدن، می تواند کمکی به کسی بکند. نه مهربانی به کسی پرداخت می شود، نه سلامت روانی به کسی داده می شود و نه هیچ چیز دیگر. از نگاه من، مسأله مهم این است که جای مجازات های جایگزین در قانون ما بسیار خالی است. هر چند بسیاری از قضاات معتقدند که همین قانون های موجود امکان استفاده از مجازات های جایگزین را می دهند. اما به نظر می رسد باید زمینه اجتماعی و امکانات لازم برای آن فراهم شود. به طور مثال از دیدگاه رشته حقوق، یک مجازات جایگزین برای فردی است که یک اقدام خشونت بار انجام داده این است که باید خودش را درمان کند و اگر قرار باشد فردی را مکلف به درمان خود کنیم، باید مراکز درمانی وجود داشته باشد. باید مراکز خیر و وجود داشته باشد. در بسیاری از قسمتهای دنیا، اگر

اجتماعی و خصوصی را تهدید می کنند، ممکن است عده ای بگویند به طور مثال، ممکن است فیس بوک موجب خورن امنیت اجتماعی شود. من این جا کاری به این ندارم که سخن چه کسی درست است اما می خواهم بگویم وقتی از این دیده، حدود ۲۰ میلیون نفر استفاده می کنند، اگر واقعا این جامعه اوضاع ناآرام، بحرانی و روزه انحطاطی دارد که ۲۰ میلیون مجرم در آن زندگی می کنند و سا رفتار خود، فکری اساسی کردو نیاید. در چنین جامعه به دنبال زندانی زدن رفت، بلکه باید زندان ساخت! نکته دیگر کاربرد زندان است. هیچ کس در هیچ جای دنیا منکر این نیست که بعضی از افراد را باید زندانی کرد حتی اگر از دید روانپزشکی هم به این مسأله نگاه کنید، ما در بعضی شرایط نیازمندیم که از ایزل کنترلی خارجی در مورد کسانی که توانمندی کنترل درونی ندارند، استفاده کنیم. مثل فرد افرادی که مرتکب قتل یا جانیات می شوند.

باید پرسید که در مورد هر جرمی، آیا زندان

باید پرسید که در مورد هر جرمی، آیا زندان

باید پرسید که در مورد هر جرمی، آیا زندان

باید پرسید که در مورد هر جرمی، آیا زندان

ادامه در صفحه ۱۰